

بررسی نقش خانواده در بروز بزهکاری دانش آموزان هفتم تا نهم متوسطه شهرستان تربت حیدریه

امیر نامدار^۱، حسین صباغ تربتی^۲

^۱ دبیر آموزش و پرورش، آموزش و پرورش شهرستان تربت حیدریه.

^۲ دبیر آموزش و پرورش، آموزش و پرورش شهرستان تربت حیدریه.

نام نویسنده مسئول:

امیر نامدار

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خانواده در بروز رفتار های بزهکاری نوجوانان پسر در شهرستان تربت حیدریه است. تحقیق باروش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان تربت حیدریه تشکیل می دهند که از این تعداد نمونه ای به حجم ۳۰۰ نفر از طریق فرمول کوکران و نمونه گیری طبقه ای به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. داده های حاصل با نرم افزار کامپیوتری SPSS تجزیه و تحلیل شده است.

نتایج پژوهش حاکی از معنی دار بودن تفاوت میانگین بزهکاری نوجوانان برحسب دلبستگی به والدین، میزان تنبیه، تحصیل والدین و نظارت والدین است. همچنین نتایج تحقیق رابطه بین متغیر های نظارت والدین و دلبستگی به خانواده را بزهکاری به تایید رساند.

واژگان کلیدی: بزهکاری؛ نقش خانواده؛ نظارت والدین؛ دلبستگی به خانواده.

مقدمه

یکی از پدیده های مهم در دوره نوجوانی که اغلب مورد توجه روانشناسان و جامعه شناسان قرار گرفته است، بزهکاری و رفتار انحرافی است که معمولاً در این سنین به چشم می خورد. بزهکاری عمومی ترین اصطلاح برای رفتار مجرمانه نوجوانان و شامل رفتار هایی است که برای افراد بالغ جرم تلقی می شود. رفتار هایی مانند مصرف مواد و تخلفات خشونت بار و اختلال در نظم عمومی. در راستای تخلفات مجرمانه، مجرمان نابالغ در معرض تخلفات منزلتی مانند پرسه زنی و فرار کردن قرار دارند (مارت، ۲۰۰۸). بزهکاری نوجوانان از دو جنبه در زمره مسائل مهم اجتماعی جامعه ایران به شمار می رود: اولاً بزهکاری در نوجوانی احتمال رفتار مجرمانه را در دوران بزرگسالی افزایش می دهد و ثانیاً، بر اساس داده های خود گزارشی از نوجوانان، سطح واقعی بزهکاری نوجوانان حتی از امار های مربوط به دستگیری های رسمی نیز بیشتر است. برای فهم بهتر بزهکاری نوجوانان باید درک کامل تری از چگونگی روند جامعه پذیری داشته باشیم (باکتر، ۲۰۰۹). جامعه پذیری فرایندی است که به واسطه آن مردم باور های مسلط، ارزش ها، انگیزه ها، و رفتار های فرهنگ خود را کسب می کنند و به تدریج بیشتر به دیگر اعضای گروه فرهنگی، قومی خویش شبیه می شوند (Gupta and Krishnan, 2004:8). نوجوانانی که نمی توانند بر مبنای ضعف عملکرد نهاد های جامعه پذیری چون خانواده و نابسامانی فضای ساختی در نظام اجتماعی، تمایلات خود را به سوی رفتار های هم نوا سوق دهند، ممکن است به سوی رفتار های انحرافی کشیده شوند و در صورت دریافت برچسپ منحرف، از سوی نهاد های کنترل اجتماعی به عنوان بزهکار شناخته شوند (محمدی اصل، ۱۳۸۴).

از آنجاکه این قشر از افراد جامعه، سرمایه اصلی هر کشوری محسوب می شوند که در پویایی و تداوم حیات نظام اجتماعی و رشد و توسعه همه جانبه آن در آینده، نقش به سزایی خواهند داشت مساله بزهکاری این قشر می تواند به عنوان یک مانع جدی در راه شکوفایی استعداد های فردی و توسعه و ترقی یک کشور و یا یک شهر قلمداد شود (جلایی پور و حسینی نثار، ۱۳۸۷). در بررسی های به عمل آمده در بیشتر کشور های جهان، آمار جرایم و بزهکاری متوجه جوانان، به ویژه در سنین ۱۲ تا ۲۵ سالگی همچنان رو به رشد است. در رابطه با بزهکاری نوجوانان نظریه های زیادی وجود دارد و تحقیقات فراوانی انجام گرفته است. نظریه های یادگیری بر روی نگرش ها، اخلاقیات، مهارت ها و رفتار هایی که فرد را آماده بزهکاری می کند، تاکید می نماید. رویکرد رفتاری در روانشناسی و نظریه های مرتبط با این دیدگاه مانند نظریه یادگیری - اجتماعی و شرطی سازی کنشگر از جمله نظریه هایی هستند که بر روی یادگیری تاکید می کنند. بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی پیوند های فرد با نهاد های اجتماعی مهمترین عامل در مهار رفتار های بزهکارانه است. با ضعیف شدن یا شکسته شدن این پیوند ها، محدودیت هایی که اجتماع برای اعضای خود قرار داده است برچیده می شود. بدون کنترل اجتماعی و نبود علاقه مندی به دیگران، یک جوان آزاد است تا مرتکب اعمال جنایی شود (سیگل و سنا، ۱۹۹۷). مفاهیم کلیدی نظریه پیوند اجتماعی شامل ۴ مولفه است که عبارتند از: ۱- پیوستگی به والدین ۲- التزام به انواع کنش متعارف ۳- مشغولیت در کنش های متعارف ۴- باور به اهمیت هنجار های اخلاقی بر اساس نظریه برچسپ، جوانان، ممکن است به دلایل مختلفی مانند روابط ضعیف خانوادگی، تضاد های طبقاتی، فشار گروهی، ناهنجاریهای زیست شناختی و روان شناختی تجربه های یادگیری قوانین را نقض کنند. بر اساس نظر بکر، برچسپ ها حاصل فرایند های کنش متقابل و واکنش بین جرم ارتكابی و دیگر اعضای جامعه هستند. نظریه برچسپ زنی استدلال می کند که فعالیت های اولیه بزهکاری به طور نسبی نمونه های بی خطر بزهکاری هستند. از نگاه کودک، چنین اعمالی به عنوان بازی یا شیطنت تلقی می شوند. در حالی که از نگاه اجتماع بزرگتر، به عنوان شرارت یا نقض قانون تعبیر می شوند.

در بسیاری از پژوهشهای انجام شده درباره بزهکاری نوجوانان به اهمیت خانواده در ایجاد رفتار های انحرافی تاکید شده است. در تحقیقی با عنوان "بزهکاری همسالان و حمایت اجتماعی والدین به عنوان پیش بینی کنند های بزهکاری نوجوانان آمریکایی آسیایی تبار" پیش بینی کننده های بزهکاری در میان نوجوانان آمریکایی آسیایی تبار مورد بررسی قرار گرفته است. یافته ها حاکی از آن است هر چقدر میزان بزهکاری همسالان بیشتر باشد، شیوع رفتار بزهکارانه بیشتر می شود (کیم و گوتو، ۲۰۰۰).

پارسل و همکارانش (۱۹۹۳)، در تحقیقی با عنوان "سرمایه اجتماعی خانواده و مشکلات رفتاری کودکان" به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداختند. آنان معتقد بودند که سرمایه اجتماعی خانواده باید با جامعه پذیری هنجار های اجتماعی در کودکان همبستگی کامل داشته باشد. یافته های آن ها نشان داد که سطح بالایی از اقتدار و داشتن محیط خانوادگی مثبت تر، فرزندان را در برابر مشکلات رفتاری و ارتکاب اعمال منحرف حمایت می کند.

اشتین و فریدریچ (۱۹۷۲) در یک مطالعه میدانی کنترل شده که با کودکان پیش دبستانی در یک اردوی تابستانی ۹ هفته ای انجام دادند، کودکان را به سه دسته تقسیم کردند و مجموعه ای از برنامه های تلویزیونی را طی دو هفته برای آنها نشان دادند. یک گروه فیلم های کارتونی جنگی، گروه دوم برنامه های معمولی بدون خشونت، گروه سوم برنامه هایی که جنبه همکاری و اجتماعی را تشویق می کردند، مشاهده کردند. در طول مدت اردو رفتار آنها مورد مشاهده قرار گرفت. مشاهدات نشان داد، پسرانی که فیلم های کارتونی پر خاشکرا نه دیده

بودند، پرخاشگری بیشتری نسبت به گروه های دیگر از خود نشان دادند و همچنین پسران و دخترانی که برنامه های اجتماعی را تماشا کرده بودند، رفتار های حاکی از تعاون و همکاری و کنترل رفتار بیشتری از خود نشان دادند (هیرش، ۱۹۹۷).

در این پژوهش به صورت مستقیم به بررسی ابغادی از نقش خانواده در بزهکاری فرزندان مانند نابسامانی خانواده، نقش نظارت والدین و... پرداخته است. نکته ای که در مورد تحقیقات قبلی قابل ذکر است که در اکثر تحقیقات، توجه کافی به ماهیت چند بعدی، زمینه محور خانواده در بزهکاری فرزندان نشده است. فرضیه های این تحقیق بدین شرح است:

- ۱- بین دلبستگی نوجوانان به خانواده و بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول رابطه منفی وجود دارد.
- ۲- بین میزان تنبیه در منزل و میزان بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول تفاوت وجود دارد
- ۳- بین سطح تحصیلات والدین و میزان بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین نظارت والدین و میزان بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول رابطه منفی وجود دارد.

روش

روش به کار رفته برای اجرای این پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه است. تحقیق حاضر از نوع مقطعی است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۳۰۰ دانش آموز پسر دوره متوسطه اول که از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند. برای دست یافتن به این نمونه از شهرستان تربت حیدریه با استفاده از نمونه گیری خوشه ای، ۱۵ کلاس به طور تصادفی انتخاب گردید و پرسشنامه مورد نظر بر روی تمامی دانش آموزان این کلاس ها اجرا شد.

در قسمت چهارچوب تئوریک از منابع و مآخذ گوناگون مانند کتاب ها، مجلات، نشریات، پایان نامه ها به صورت کتابخانه ای استفاده شده است. جمع آوری اطلاعات نیز با استفاده از ابزار پرسشنامه و توزیع آن در میان اعضای نمونه صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار اس پی اس صورت گرفته است

متغیر مستقل (پیش بین): دلبستگی به خانواده، تنبیه والدین، سطح تحصیلات والدین، اشتغال والدین
متغیر وابسته (ملاک): بزهکاری نوجوانان می باشد.

یافته ها

فرضیه اول: بین دلبستگی نوجوانان به خانواده و بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول رابطه منفی وجود دارد.
داده های جدول شماره (۱) نشان می دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر با -0.36 می باشد که از نظر آماری معنی دار است بنابراین فرض تحقیق تایید میشود و همچنین استنباط می شود که بین دلبستگی نوجوانان و بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول همبستگی منفی و معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر بین درجه بزهکاری دانش آموزان و میزان دلبستگی خانواده رابطه منفی وجود دارد. یعنی هر چه دلبستگی به والدین کمتر باشد، بزهکاری بیشتر می شود. می توان گفت که بزهکاری دانش آموزان در خانواده های با دلبستگی کم و زیاد، متفاوت می باشد. ضریب تعیین برای آزمون فوق 0.40 می باشد که نشان می دهد که حدود ۱۵ درصد از بزهکاری دانش آموزان تحت تاثیر دلبستگی به والدین می باشد و بقیه به سایر عوامل بستگی دارد.

جدول شماره (۱): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه دلبستگی نوجوانان به والدین با بزهکاری

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
دلبستگی نوجوانان	بزهکاری	-0.36	0.001	معنی دار

فرضیه دوم: بین میزان تنبیه در منزل و میزان بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول تفاوت وجود دارد
داده های جدول شماره (۲) نشان می دهد که بین میزان تنبیه دانش آموزان با میزان بزهکاری تفاوت معنی دار وجود دارد. F بدست آمده برابر با $3/15$ می باشد که با اطمینان 0.99 معنی دار است. بنابراین فرض تحقیق تایید می گردد. آزمون تعقیبی نشان می دهد که دانش آموزانی که تحت تنبیه قرار می گیرند بیشتر از دانش آموزانی که مورد تنبیه قرار نگرفته اند به بزهکاری گرایش دارند

جدول شماره (۲): خلاصه آزمون آنالیز واریانس در مورد فرضیه دوم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
بین گروهی	۹۰۱/۳	۲	۴۵۰/۶	۳/۱۵	۰/۰۴۴	معنی دار
درون گروهی	۴۸۲۶۳/۵	۳۳۷	۱۴۳/۲			
کل	۶۴۱۹۴/۸	۳۳۹				

فرضیه سوم: بین سطح تحصیلات والدین و میزان بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول تفاوت وجود دارد. داده های جدول شماره (۳) نشان می دهد که بین سطح تحصیلات با میزان ناهنجاری تفاوت معنی دار وجود دارد. F بدست آمده برابر با 4/09 می باشد که با اطمینان ۰,۹۹ معنی دار است. بنابراین فرض تحقیق تایید می گردد.

جدول شماره (۳): خلاصه آزمون آنالیز واریانس در مورد فرضیه دوم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
بین گروهی	۱۱۶۵/۳	۲	۵۸۲/۶	۴/۰۹	۰/۰۱۸	معنی دار
درون گروهی	۴۷۹۹۹/۶	۳۳۷	۱۴۲/۴			
کل	۴۹۱۶۴/۸	۳۳۹				

فرضیه چهارم: بین نظارت والدین و میزان بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول رابطه منفی وجود دارد. داده های جدول شماره (۴) نشان می دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر با ۰/۶۰- می باشد که از نظر آماری معنی دار است بنابراین فرض تحقیق تایید میشود و همچنین استنباط می شود که بین نظارت والدین و بزهکاری دانش آموزان دوره متوسطه اول همبستگی منفی و معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر بین درجه بزهکاری دانش آموزان و میزان نظارت والدین رابطه منفی وجود دارد. یعنی هر چه نظارت والدین بیشتر باشد، بزهکاری کمتر می شود. می توان گفت که بزهکاری دانش آموزان در خانواده های با نظارت کم و زیاد، متفاوت می باشد. ضریب تعیین برای آزمون فوق ۰,۴۳ می باشد که نشان می دهد که حدود ۴۳ درصد از بزهکاری دانش آموزان تحت تاثیر نظارت والدین می باشد و بقیه به سایر عوامل بستگی دارد.

جدول شماره (۴): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه نظارت والدین والدین با بزهکاری

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
نظارت والدین	بزهکاری	-۰,۶۰	۰,۰۰۰	معنی دار

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی کردیم که با توجه به دیدگاه نظریه پردازان نظارت اجتماعی و پیوند اجتماعی نقش خانواده را در بروز ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان در یک نمونه آماری نفر بررسی کرده و نقش خانواده را در کاهش یا افزایش بزهکاری مورد مطالعه قرار دهیم. بنابراین نتایج حاصل از تحلیل فرضیه ها نشان می دهد که بین دلبستگی به والدین، سطح تحصیلات والدین، میزان تنبیه والدین و نظارت والدین با میزان بزهکاری دانش آموزان رابطه معنا داری وجود دارد. نظارت والدین قوی ترین رابطه را با بزهکاری نوجوانان داراست. این نتیجه همسو با تئوری های دورکیم، پارسونز، شاو و مک کی، هیرشی، ساترلند و نای در مورد نقش خانواده ها و والدین در بزهکاری فرزندان است. از نظر نای، خانواده از طریق چهار عامل باعث تقویت پیوند اجتماعی می گردد: ۱- نظارت درونی: از طریق جامعه پذیری کودک و ایجاد وجدان؛ یعنی درونی کردن هنجار ها، ارزش ها و نیز احساس شرم و گناه در صورت کج رفتاری، به علت رابطه نوجوانان با پدر و مادر و تنبیه و سرزنش از جانب آن ها واقع می گردد ۲- نظارت غیر مستقیم ۳- نظارت مستقیم: تنبیه و محدودیت مستقیم از جانب خانواده ۴- ارضای نیاز ها: توانایی خانواده در تامین زندگی، فراهم کردن امکانات موفقیت در آینده برای نوجوانان.

یافته های تحقیق هم سو با تحقیق باقری و همکارانش (۱۳۸۸)، با عنوان، بررسی عوامل خانوادگی موثر بر ارتکاب جرم و همچنین تحقیق پارسل و همکارانش (۱۹۹۳) با عنوان سرمایه اجتماعی خانواده و مشکلات رفتاری کودکان و در تایید نظریات دورکیم و پارسونز است. از دید پارسونز، نهاد ها و سازمان های اجتماعی عوامل اجتماعی و ابزار های جامعه پذیری الگو های رفتاری و درونی ساختن آن ها در افراد هستند. همچنین نتیجه تحقیق در مورد کاهش بزهکاری نوجوانان به دلیل دلبستگی به خانواده شان در تایید نظرات ساترلند و هیرشی است. هیرشی از چهار عنصر به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد جامعه به یکدیگر معرفی می کند که به عنوان متغیر های کنترل کننده رفتار افراد و ممانعت آن ها از ارتکاب جرم و خشونت بر می شمارد: ۱- دلبستگی یا تعلق خاطر ۲- تعهد ۳- درگیر بودن با مشارکت ۴- اعتقادات و باور ها بر اساس نتایج بدست آمده از این پژوهش می توان پیشنهاد های زیر را عنوان کرد:

۱- والدین و مربیان باید در ایجاد روابط صمیمی و مناسب با نوجوانان بکوشند. علاوه بر این از نسبت دادن برچسپ های منفی به نوجوانان خودداری نمایند؛ والدین در ضمن اینکه باید خود الگوی رفتاری مناسبی برای نوجوانان خود باشند، در خصوص روابط نوجوانان با همسالان نیز نظارت و دقت لازم را داشته باشند.

۲- مسئولان رسانه های گروهی باید این مساله را در نظر داشته باشند که تبلیغ خشونت از طریق رسانه ها منجر به رفتار های انحرافی بیشتری از طرف نوجوانان می گردد. بنابراین باید رسانه ها از پخش فیلم هایی که در آن ها افراد از طریق خشونت به پیامد های مثبتی می رسند، اجتناب نمایند.

۳- با توجه به تایید ارتباط متغیر های زمینه ای همانند تحصیل، دلبستگی و... با بزهکاری نوجوان در این تحقیق حاضر، پیشنهاد می گردد بازتعریفی از ارزش اجتماعی و اقتصادی پایگاه های اجتماعی و اقتصادی مختلف جامعه از طریق نهاد های مربوطه و رسانه های ارتباط جمعی به عمل آید.

۴- برنامه ریزی برای افزایش اطلاعات والدین از خصوصیات دوران رشد و توجه به نیاز های مهم نوجوانان و جوانان در این دوره به کاهش فاصله بین والدین و دانش آموزان کمک خواهد کرد

۵- خانواده و مدرسه دو نهادی اجتماعی هستند که تاثیر بسیاری زیادی در شکل گیری رفتار و هویت جوانان دارند و در واقع مکمل یکدیگرند پس هر چقدر ارتباط این دو نهاد بیشتر شود مشکلات کاهش می یابد

منابع و مراجع

- [۱] باقری، م؛ ملتفت، ح. و رضا دوست، ک (۱۳۸۸) (بررسی عوامل خانوادگی موثر بر ارتکاب جرم)، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، ش ۴، ص ۵۹-۸۶
- [۲] جعفری، ق (۱۳۸۹). مطالعه جامعه شناختی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در شهر تبریز (مطالعه موردی مناطق حاشیه نشین)، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، تبریز؛ دانشگاه تبریز.
- [۳] رجایی، ع. (۱۳۸۱) ((نقش خانواده، همسالان و رسانه های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان پسر))، فصلنامه دانش و پژوهش، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۵-۷۷
- [۴] علوردی نیا، ا؛ شارع پور، و ورمزیار، م (۱۳۸۷). ((سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری))، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ششم، ش ۲ ص ۱۰۷-۱۳۲.
- [۵] محمدی اصل، ع. (۱۳۸۴). بزهکاری نوجوانان و نظریه های انحراف اجتماعی، تهران؛ نشر علم.
- [۶] ممتاز، ف. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی؛ نظریه ها و دیدگاه ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۷] نجفی توانا، ع. (۱۳۸۲). نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات راه و تربیت.
- [8] Marte, R. M. (2008). Adolescent Problem Behaviors. Delinquency, Aggression, and Drug Use, New York: LFB Scholarly Publishing LLC.
- [9] Ozbay, O. and Y. Z. Ozcan (2008). A Test of Hirschi's Social Bonding Theory: A Comparison Of Male and Female Delinquency, International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology, Vol.52, NO.2
- [10] Pasma, D. (2008). Assessing the Relation Between Attachment and Psychopathic Traits in a Sample of Adolescents: Is it Mediated by Delinquency? , Thesis for the Degree of Master of Arts in the Graduate Academic Unit of Psychology. The University of New Brunswick.
- [11] Kim, T. E. and S. G. Goto (2000). Peer Delinquency and Parental Social Support as Predictors Of Asian American Adolescent Delinquency , Deviant Behavior, Vol.21, No 4.
- [12] Lee, G (1998). Social Structure and Social Learning in Adolescent Delinquency and Substance Use: A Test of the Mediating Process of Social Learning Theory, ph.D. Dissertation, University of Florida.
- [13] Marte, R. M. (2008). Adolescent Problem Behaviors. Delinquency, Aggression, and Drug Use, New York: LFB Scholarly Publishing LLC.
- [14] Williams, J. E. Hall. (1982) Criminology and Criminal justice. London: Butterworth.
- [15] Hirsch, K. W. (1997). Media Violence, in Wells, A. and Hakanen, E. A. (eds) , Mass media and society London: Ablex.
- [16] Siegel, L. J. SENNA, J. J. (1997). Juvenile delinquency theory, practice and law, (6th ed) , St. Paul: West